



## آیا شعار «آزادی اجتماعات» امروزه می تواند بمثابة امری اساسی در خدمت جنبش طبقه کارگر قرار گیرد؟

در مطبوعات قانونی، انحلال طلبان به سرمدمداری تروتسکی می گویند که می تواند آنها هر چه در توان دارند می کنند تا خصلت واقعی جنبش کارگران را تحریف نمایند. ولی اینها کوششهای نومیدانه‌ای هستند. انحلال طلبان در حال غرق شدن به هر خس و خاشاکی متشبث می شوند تا حرف نادرست خود را به کرسی بنشانند.

در سال ۱۹۱۰ گروه‌های کوچک روشنفکری کمپین درخواست آزادی اجتماعات را شروع کردند. این جنبش ساختگی بود. توده‌های کارگران بی تفاوت ماندند. هیچکس نمی تواند چنین کار بیهوده‌ای را بر عهده کارگران دانسته به آنها اعتراض کند. این برازنده لیبرالها بود که به رفرم های سیاسی تحت استبداد تزاری اعتقاد داشته باشند. کارگران بلافاصله غلط بودن تقبل آن را مشاهده کرده و از گود خارج ماندند.

کارگران مخالف مبارزه برای اصلاحات نیستند – آنها برای قانون بیمه مبارزه می کردند. در دومای سوم، کارگران از طریق وکلایشان از هر فرصتی استفاده کردند تا حداقل اصلاحات کوچک را به دست بیاورند. ولی نکته اینجاست که دومای سوم و قانون بیمه افسانه نیستند بلکه حقایق سیاسی اند، در حالیکه «آزادی اجتماعات» تحت سلطنت سوم ژوئن رومانف وعده‌ای توخالی از طرف لیبرالهای فاسد است.

لیبرالها دشمنان انقلاب هستند. حتی هم اکنون مخالفت آنها با انقلاب محرز است – باندهای سیاه دومای سوم به آنها نیاموخته‌اند که ترس از انقلاب را به کناری بگذارند. لیبرالها ترسانان از انقلاب، خود را با امید اصلاحات قانونی تسلی داده و از برای کارگران یکی از آن رفرم ها یعنی آزادی اجتماعات را طلب می کنند.

ولی کارگران به افسانه «قانون اساسی» تحت شرایط فقدان آزادیهای عمومی، استبداد افسار گسیخته و دومای سوم اعتقادی ندارند. کارگران آزادی اجتماعات را مجدانه طلب می کنند و بنابراین برای آزادی تمام مردم، برای سرنگونی سلطنت و برقراری جمهوری مبارزه می کنند. اعتصابات در ماههای آوریل و مه نشان دهنده این حقیقت بود که پرولتاریا با یک اعتصاب انقلابی بپا خاسته است. تلفیق اعتصاب سیاسی و اقتصادی، میتینگهای انقلابی و شعار برقراری جمهوری که توسط کارگران سن پترزبورگ در اول ماه مه پیش کشیده شد – تمام این حقایق دلیل قاطع شروع یک اعتلای انقلابی بود.

در واقع، شرایط عینی در روسیه چنین است: پرولتاریا مبارزه انقلابی توده‌ای را جهت سرنگونی سلطنت تزاری آغاز کرده است و ناآرامی در نیروهای مسلح افزایش می یابد –

نشانی بر آنکه آنها به مبارزه پیوسته‌اند. همچنین پیشروترین دهقانان دمکرات از لیبرال‌ها روی بر می‌گردانند و به پیشاهنگ طبقه کارگر روی می‌آورند. در این حال، لیبرال‌ها، دشمنان انقلاب، فقط راه «قانونی» را در پیش گرفته و بر علیه انقلاب وعده (وعده‌ای پوچ و دروغ) «آزادی اجتماعات» تحت سلطنت روسیه تزاری را به پیش می‌کشند!

چنین است شرایط واقعی سیاسی. و نیروهای واقعی اجتماعی اینها هستند: ۱- سلطنت تزاری که همه «قانون» را به مسخره گرفته است؛ ۲- بورژوازی لیبرال - سلطنت طلب که از ترس انقلاب تظاهر می‌کنند که به تلفیق «آزادی» و رژیم تزاری اعتقاد دارند و؛ ۳- دمکرات‌های انقلابی؛ که از میان این دسته آخری هم اینک یک رهبر برخاسته است: توده‌های کارگران که ملوانان و سربازان از هلسینگفورس تا تاشکند، به دعوت آنها جواب مثبت می‌دهند. تحت این شرایط، صحبت انحلال طلبان در مورد «آزادی اجتماعات» بطور نامیدکننده‌ای احمقانه است! از میان کلیه «اصلاحات»، حضرات سیاست لیبرال کارگری یک رفرم قانونی غیرممکن را که هیچ چیز مگر یک وعده نیست، برگزیده‌اند و خودشان را با بازی قانونگرایی «اروپائی» سرگرم کرده‌اند.

چنین نخواهد شد! کارگران لیبرال‌ها و سیاست‌های کارگری لیبرال را کنار می‌زنند. آنها از هر رفرمی که واقعاً یک مسئله فوری باشد حمایت و بهره‌برداری کرده و آن را موضوع مبارزه خودشان قرار خواهند داد - هم در دوما‌ی سوم و هم در دوما‌ی چهارم - از بیمه گرفته تا افزایش دستمزدها برای آنهایی که در ادارات برده وار کار می‌کنند.

ولی کارگران وعده توخالی و مضحک رفرم‌های سیاسی قانونی تحت حاکمیت استبداد را به مسخره می‌گیرند. باشد که مبارزه انقلابی که توسط توده‌ها جهت سرنگونی سلطنت و برقراری جمهوری شروع شده، از نظر وسعت و شدت رشد کند! مبارزه نشان خواهد داد که اگر انقلاب جدید شکست بخورد نتیجه رفرم‌های نیم بند قانونی چه خواهد بود، ولی پیشنهاد راه‌های غیرانقلابی و رفرم‌های قانونی صلح آمیز به توده‌ها، در حال حاضر که شروع یک تعرض انقلابی است کاری است که فقط از «آدم توی غلاف» (۱) ساخته است.

تعرض انقلابی که شروع شده است، شعارهای انقلابی را طلب می‌کند. مرگ بر سلطنت! زنده باد جمهوری دمکراتیک، هشت ساعت کار و مصادره کلیه زمینهای ملاکین!

رابوچیا گازتا - شماره ۹ - ۳۰ ژوئیه (۱۲ اوت) ۱۹۱۲  
لنین - مجموعه آثار - جلد ۱۸ - صفحه ۲۴۲

## توضیحات

۱- آدم توی غلاف - شخصیت اصلی داستان چخوف با همین نام است. مردی که نمونه بارز انسان کوتاه نظر بی فرهنگی است که با هر چیز بدیع و نو مخالفت می‌کند.

\*\*\*\*\*

کمونیست‌های انقلابی

[www.k-en.com](http://www.k-en.com)

[info@k-en.com](mailto:info@k-en.com)